

مبانی، تنگناها و دورنمای توسعه مطبوعات ایران



شکل گیری معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آغاز فعالیتهای آن از نیمه دوم سال ۱۳۶۸ مبتنی بر این باور بوده است که فعالیت مطبوعاتی در میهن ما نیازمند تحولی اساسی است. بر این اساس، تحول مطبوعات نه تنها در درازمدت ضروری می نمود بلکه امری فوری به شمار می رفت. بر پایه این باور، گامهای آغازین در ایجاد تحرک مطبوعاتی و رفع تنگناها باید از جانب دولت برداشته می شد و توسعه سازمان اداری به گردن گیرنده این امر، اجتناب ناپذیر می نمود. تفکیک و استقلال اداره کل مطبوعات داخلی از اداره کل مطبوعات و نشریات، ایجاد مرکز گسترش آموزش رسانه ها و همچنین تشکیل مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها براساس چنان ضرورتی صورت گرفت.

تبیین محورهای فعالیت معاونت مطبوعاتی بدون درک مجموعه ضرورتهایی که شکل گیری آن را موجب گردیدند، امکان پذیر نیست. این ضرورتها در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، در درجه اول و تحولات جهانی در عرصه ارتباطات در درجه دوم ریشه دارند.

در این سالها که پس از یک مرحله هرج و مرج مطبوعاتی طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ قرار دارد، مطبوعات با چهار مسئله اصلی روبرو هستند:

۱- اغتشاش در سازمان ملی ارتباطات: در طی سالیان مذکور ارتباط منطقی و سازمان- یافته‌ای بین اجزاء مختلف نظام ارتباطی کشور وجود نداشته است. تداخل نقش و کارکرد رادیو و تلویزیون، تغییر نقش روزنامه‌های توده‌ای و فراگیر، توسعه آشکال سنتی ارتباطات، جایگاه و نقش مطبوعات را به طور کلی دچار ابهام ساخته بود.

۲- انحلال نقش مطبوعات در درون سازمان تبلیغی: به طور طبیعی پیروزی انقلاب و ضرورت ترویج اهداف و مبانی انقلاب، وجود فعالیت تبلیغاتی وسیعی را ضروری می‌ساخت. این ضرورتها حتی پس از سپری شدن دوران گروه‌گرایی سیاسی در سالهای نخست پیروزی انقلاب نیز وجود داشته و دارند. این شرایط هم بر فعالیت مطبوعات موجود کشور سایه افکند و هم موجبات پیدایی مطبوعات جدیدی را که کاملاً بر اساس اهداف تبلیغی استوار بودند، فراهم ساخت. این اقتضانات سایر نقشهای مطبوعات را در مُحاق فراموشی افکند و علاوه بر آن نوعی دوگانگی در درون مطبوعات را به شکل سازمان یافته‌ای تثبیت نمود.

۳- درگیریهای فزاینده انقلاب با نیروهای ضدانقلاب و جنگ تحمیلی: این درگیریها ضرورتاً رُجحان اهداف ملی و تمرکز مشارکت اقشار و گروههای اجتماعی و سیاسی را موجب گردید، در چنین شرایطی طرح اهداف متفرق و رقابت آمیز به عنوان بستر مشارکت عمومی امکان بروز نمی‌یافت. باید توجه داشت که مطبوعات به عنوان اهرمهای مشارکت اجتماعی گروههای متنوع، به صورت تابعی از این شرایط دچار قبض و بسط می‌گردند.

۴- مجموعه شرایط فوق و به ویژه تنگناهای اقتصادی، مشکلات حرفه‌ای و تکنیکی مطبوعات را دامن می‌زد. مهمترین این مشکلات، فقدان آموزش منظم و سازمان یافته نیروی انسانی به شمار می‌رفت. به ویژه آنکه پس از انقلاب عمده‌تاً مسئله آموزش در عرصه‌های فعالیت مطبوعاتی به فراموشی سپرده شده بود. در این میان قانون مطبوعات نیز به عنوان سازمان‌دهنده اصلی فعالیتهای حرفه‌ای مطبوعات دچار بی‌توجهی شده بود.

معاونت مطبوعاتی با عنایت به مسائلی که گفته شد و با توجه به محدودیت امکانات عملی، پنج محور اصلی را دنبال نمود:

۱- ایجاد تنوع در مطبوعات.

۲- ایجاد امکانات مشارکت نیروهای مختلف اجتماعی و مطبوعاتی و تشویق و تحریص نیروهای جوان دارای انگیزه‌های فرهنگی و قابلیت‌های فعالیت مطبوعاتی در چهارچوب اهداف انقلاب اسلامی.

۳- ایجاد امکانات انسجام حرفه‌ای و صنفی مطبوعات که در برابر سیاست‌زدگی عمومی مطبوعات دچار وقفه گردیده بود و تعمیق احساس مسئولیتهای حرفه‌ای در دست‌اندرکاران مطبوعات.

۴- ارتقاء سطح کیفی نیروی انسانی مطبوعات از طریق ایجاد دوره‌های مختلف آموزشی، تلاش در جهت ایجاد و گسترش رشته‌های آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاهها، راه‌اندازی پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه مسائل و مشکلات مطبوعات و ایجاد دستگاه بانک اطلاعات.

۵- ارتقای کیفی محتوای مطبوعات و کاربست تکنیکهای نوین و پیچیده‌تر تبلیغ و ترویج اصول و مبانی انقلاب اسلامی و وحدت ملی به موازات آن.

تمامی محورهای مورد اشاره به نوعی، ضرورت توسعه کمی را نشان می‌دهند هرچند شاخصهای مورد پذیرش فعالیت مطبوعاتی در سطح جهانی نیز در مقایسه با شاخصهای فعالیت مطبوعاتی در ایران، ضرورت این امر را نشان می‌دهند.

در عمل نیز توسعه کمی دارای نمود اجتماعی بیشتری بوده است، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بعضاً انتقاداتی نیز به دنبال داشته است.

در اینجا خواهیم کوشید با مقایسه شاخصهای کمی مطبوعات در سال ۱۳۶۷ و ۱۳۶۹ نمای کلی از محورهای این توسعه کمی را ارائه داده و به ارزیابی آنها پردازیم. بهتر است بحث وضعیت کمی را با نگاهی کلی به تعداد نشریات منتشر شده آغاز کنیم.

در طی سال ۱۳۶۷ در مجموع حداقل ۱۸۳ نشریه در کشور انتشار می‌یافته است. به ناگزیر باید چند حداقل را مراعات نمود، چرا که متأسفانه به دلیل فقدان مراکز منظم اطلاع‌رسانی در مورد مطبوعات، امکان ارائه آمار دقیق وجود ندارد و این ۱۸۳ عنوان، نشریاتی را شامل می‌شوند که بر مبنای آمار موجود شمارش شده‌اند. از این تعداد تنها ۱۲۸ نشریه براساس موازین قانونی مذکور در قانون مطبوعات انتشار یافته‌اند و ۵۵ نشریه بدون توجه به ترتیبات قانونی از سوی اشخاص متنفذ و یا ارگانها و نهادهای انقلابی و منجمله مؤسسات کیهان و اطلاعات منتشر شده‌اند. از این تعداد حداقل ۴۲ نشریه در شهرستانها و حداقل ۱۴۱ نشریه

دوران همیشه کششی به انحراف از موضوع و روش نشریه و ابهام در خط مشی وجود دارد. وجود صاحبان امتیازی که تجربه جدی فعالیت مطبوعاتی ندارند قطعاً چنین فرایندی را تشدید می‌کند. این ملاحظات ضرورت جدی‌تر گرفتن ضوابط علمی و صلاحیت حرفه‌ای صاحبان امتیاز و مدیران مسئول را به رخ می‌کشد. نکته‌ای که گاه، به ناچار در فرآیند توسعه کمی، در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد.

تواناییها و خصوصیات اشخاص، نیروها و اندیشه‌ها تنها در عمل قابل سنجش است و قطعاً پس از وقوع فرآیندهای جدید است که می‌توان به ارزیابی نقاط قوت و ضعف آنان نشست. سختیهای فعالیت سالم مطبوعاتی در شرایط کنونی بسیاری را به یافتن راه‌حلهای ناسالم سوق می‌دهد. یافتن راه‌حلهای مناسب برای حل این زائده‌های ناخواسته توسعه مطبوعاتی ضروری است و بی‌توجهی به این کاستیها، بنیانهای نوپای توسعه مطبوعاتی را متزلزل خواهد ساخت. از این ملاحظات ضرورت توجه بیشتر به توسعه و تشریح آئین‌نامه‌ها و مقررات دقیق و بیطرفانه‌ای که ضمن توجه به حقوق نیروهای مطبوعاتی مرزهای فعالیت سالم و ناسالم مطبوعاتی را روشن سازد، قابل استنتاج است.

متأسفانه محتوای نشریات ما - به جز استثنائاتی - هنوز پاسخگوی نیازهای فکری و فرهنگی جامعه ما نیست. ما هنوز نتوانسته‌ایم به سنت حسنه مطبوعات سیاسی صریح و روشن اما معقول، دست یابیم. هنوز مطبوعات اقتصادی نتوانسته‌اند به عنوان پشتوانه‌ای نظری برای ارزیابی عملکرد اقتصادی دولت و بخش خصوصی و تجارت خارجی مبدل گردند. ناتوانی مطبوعات ما، به ویژه مطبوعات اجتماعی، در طرح دقیق و متعهدانه مسئله زنان و جوانان رنج آور است.

کوتاه سخن، دستگاه قابل اتکایی برای گردش اطلاعات علمی و فرهنگی در جامعه از جانب مطبوعات ما به وجود نیامده است.

نباید یک جانبه به قضاوت نشست، هنوز موانع جدی وجود دارند:

توسعه مطبوعات تنها به عنوان بخشی از تحول فرهنگی کشور متصور است، نمی‌توان در حالی که در بسیاری از حوزه‌های اندیشه، هنر و فن، ما به فرآیند تولید یا درونی کردن دستاوردهای بین‌المللی دست نیافته‌ایم، انتظار گامهای بزرگ داشته باشیم. هنوز باید راه بسیاری در عرصه اندیشه، هنر و فن بییماییم. مسئله آزادی مطبوعات هنوز در بوته ابهام مانده است. هیچ منصفی نمی‌تواند وجود و اعمال شیوه‌های برنامه‌ریزی شده کنترل مطبوعات را ادعا کند، اما فشارهای غیررسمی و نگاه غیرمسئولانه بر جو ابهام و خودسانسوری دامن می‌زنند. باید مسئولان سیاسی و فرهنگی و قضایی کشور بتوانند محدوده‌های واقعی فعالیت مطبوعاتی را بر اساس قانون مطبوعات روشن سازند تا راه بر قیل و قالهایی که ریشه در پافشاری بر سلیقه‌های

تعداد نشریاتی که با ترتیب پانزده روز یک بار یا ماهیانه منتشر می‌شوند از ۹۲ عنوان در سال ۱۳۶۷ به ۱۳۸ عنوان در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته که رشدی معادل ۴۷٪ درصد را نشان می‌دهد. ۴۶٪ درصد از این نشریات در زمینه‌های علمی، تخصصی، نیمه تخصصی و فنی و حرفه‌ای منتشر می‌شوند و ۷۵ نشریه یعنی ۵۴٪ از ماهنامه‌های منتشره، در زمینه‌های فرهنگی و هنری و در سطوح مختلف انتشار می‌یابند. ماهنامه‌ها متنوع‌ترین گروه نشریات از حیث موضوع و گرایشهای متفاوت سیاسی، اجتماعی و فکری به شمار رفته و در حال حاضر تقریباً حضور جناحها و گروههای مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در عرصه مطبوعات کشور را نشان می‌دهد.

مقایسه میزان رشد کمی مطبوعات در مقایسه با میزان امتیازات واگذار شده بیانگر حقایق دیگری است. در طی سالهای ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ به ترتیب ۱۵، ۹۳ و ۱۳۳ امتیاز تأسیس نشریه واگذار گردیده است. از مجموع ۲۴۱ امتیاز واگذار شده، ۹۴ نشریه جدید در طی سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ پا به عرصه فعالیت نهاده‌اند. برای ارزیابی واقع‌بینانه‌تر در اینجا می‌توانیم از تعداد امتیازات واگذار شده در نیمه دوم سال ۱۳۶۹ صرف‌نظر کنیم. با چنین احتسابی از مجموع ۱۷۷ امتیاز واگذار شده در طی سالهای ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ و نیمه اول ۱۳۶۹، ۵۱٪ موفق به آغاز فعالیت شده‌اند. این نکته بیانگر آن است که برخلاف تصور رایج، این میزان امتیازات واگذار شده نیست که نقش اصلی را در توسعه کمی مطبوعات ایفا می‌کند بلکه عوامل دیگری نظیر امکانات اقتصادی و فنی فعالیت مطبوعاتی، میزان تمایل و تلاش گروههای اجتماعی و میزان تواناییهای فرهنگی در عمل تعیین‌کننده بوده و چارچوبهای رقابتی را ایجاد می‌کنند. میزان و نحوه امتیازات واگذار شده تنها می‌تواند در سمت‌گیری قابلیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر باشد. نمونه این تأثیر در رشد ۱۵۰ درصدی نشریات علمی و تخصصی دیده می‌شود.

• • •

مجموعه اطلاعات راجع به توسعه مطبوعات در مجموع حکایت از آن دارد که مطبوعات ما جهش آغازین، برای ورود به مرحله تعدد، تنوع و رقابت سالم مطبوعاتی را به دست آورده‌اند. البته نمی‌توان نتیجه گرفت که ظرفیتهای توسعه کمی مطبوعات به پایان رسیده است. جمعیت بالا و اندک بودن تیراژ سرانه که با توجه به تنگناهای اقتصادی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید نشان‌دهنده این امرند. اما توسعه مطبوعات مثل هر برنامه توسعه اجتماعی دیگر نقائص و کاستیهای خاص خود را دارد. به طور طبیعی آغاز هر دوره گشایش سیاسی و رونق اقتصادی و حضور نیروهای جدید، مجادلات ناسالم میان مطبوعات را افزایش می‌دهد. شکل‌گیری یک نشریه نیازمند زمانی نه چندان کوتاه و ثبات نسبی اجتماعی و سیاسی است و تا حصول این

در تهران و بعضاً در قم انتشار می‌یافته‌اند.

در طی سال ۱۳۶۸ تعداد نشریات در حدود ۲٪ رشد داشته و سه نشریه جدید و قانونی آغاز به انتشار نموده‌اند. البته باید توجه داشت تعدادی از نشریاتی که در طی سال ۱۳۶۷ انتشارشان دچار وقفه شده بود در طی سال ۱۳۶۸ به روال منظم‌تری دست یافتند. اما در فاصله سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ با آغاز انتشار ۹۱ نشریه جدید، شاهد رشدی معادل ۴۹٪ در مطبوعات کشور هستیم یعنی در مجموع در فاصله سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ مطبوعات کشور از رشدی بیش از ۴۹٪ درصد برخوردار بوده و ۲۷۴ نشریه در سطح کشور منتشر می‌شده‌اند.

شایان ذکر است که در این محاسبات، گروه نشریاتی که از جانب بنیاد اندیشه اسلامی برای خارج از کشور انتشار می‌یافته و می‌یابند (۱۰ عنوان) و گروه نشریات رشد وزارت آموزش و پرورش (۱۷ عنوان) و ۲۰ عنوان نشریات نهضت‌های آزادیبخش محاسبه نشده‌اند.

باید به این تفاوت حقوقی و صنفی توجه داشت که برخلاف سال ۱۳۶۷ در حال حاضر اکثر قریب به اتفاق نشریات کشور دارای وضعیت قانونی مشخصی بوده و مدیر مسئولیتی که صلاحیت‌های قانونی آنان از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات بررسی شده است، مسئولیت‌های قانونی آن را بر عهده دارند.

بررسی جهت‌گیری‌های رشد مطبوعات در فاصله سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ از حیث ترتیب انتشار نشان می‌دهد که نشریاتی که در فاصله زمانی ۲ ماه یک بار و بیشتر منتشر می‌شوند از ۳۳ عنوان در سال ۱۳۶۷ به ۸۳ عنوان در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته و با ۱۵۱٪ درصد افزایش، بیشترین رشد را داشته‌اند. از این تعداد ۱۲ عنوان نشریات تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف است که از سوی اشخاص و مؤسسات غیردولتی انتشار می‌یابند و ۷۱ عنوان بقیه از سوی مراکز مختلف علمی و تحقیقاتی کشور منتشر می‌شوند. این گروه از نشریات، حدود ۳۲٪ از نشریات کشور را از حیث عنوان تشکیل می‌دهند که عمدتاً در تهران و در درجه بعد در مشهد، قم و سایر شهرستانها انتشار می‌یابند.

تعداد نشریات هفتگی از ۴۸ نشریه در سال ۱۳۶۷ به ۴۴ نشریه در سال ۱۳۶۹ کاهش یافته است، که عمدتاً به دلیل توقف انتشار برخی نشریات نامنظم در شهرستانها و تغییر ترتیب انتشار برخی نشریات از هفتگی به ماهیانه است. ۳۲ عنوان از این نشریات که ۷۵٪ درصد از نشریات هفتگی را تشکیل می‌دهند در شهرستانها انتشار می‌یابند.

تعداد روزنامه‌های فعال کشور از ۱۰ روزنامه در سال ۱۳۶۷ به ۱۹ روزنامه در سال ۱۳۶۹ افزایش یافته است. این امر در حالی است که تا نیمه اول سال ۱۳۶۹، ۲۰ عنوان امتیاز انتشار و توسعه روزنامه در اختیار افراد مختلف بوده است. مشکلات اجرایی تنها امکان انتشار ۵۰٪ از امتیازات واگذار شده را فراهم آورده است.

شخصی دارند، بسته شود و دست مسئولان اجرایی برای عمل بر اساس عدالت باز باشد.

به همان میزان که بی‌اعتنایی به محدودیتهای ناشی از مقتضیات امنیت ملی کشور و اصول و مبانی اعتقادی مردم و انقلاب زیانبار است، محدود کردن آزادی در بیان، معضلات، نارسایی‌ها و ارائه درست طرحهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند موجبات عدم رشد و توسعه علمی و فرهنگی کشور را فراهم سازد و بر شدت‌گیری پدیده‌هایی نظیر فرار مغزها و بی‌اعتمادی عمومی به مطبوعات دامن زند.

توسعه مطبوعات سالم و بدون غوغاسالاری بدون حمایت همه‌جانبه دولت امکان‌پذیر نیست. مطبوعات، توسعه‌نیافته‌ترین بخش دستگاہ ارتباطات کشور ما است. جبران این توسعه‌نیافتگی بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست. و بدون جبران این توسعه‌نیافتگی دولت در اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی خود ناتوان خواهد ماند. نباید تصور شود که حمایت دولت از مطبوعات لطفی است از جانب دولت بلکه باید پذیرفت که امری است اجتناب‌ناپذیر. نه دولت بدون مطبوعات موفق خواهد بود و نه مطبوعات بدون حمایت دولت کارایی خواهند داشت. همکاری و همگامی میان تمامی دستگاہهای دولتی و نه فقط وزارت ارشاد اسلامی با معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی از یک سو و مطبوعات از سوی دیگر تنها راه برون‌رفت از این معضلات است.

مطبوعات نیز باید بدین درک برسند که فعالیت مطبوعاتی تنها نوعی حربه سیاسی یا فرهنگی نیست. صاحب امتیاز، مدیر مسئول، سردبیر، نویسنده و خبرنگار باید با تکیه بر داشتن تخصص خود و داناییهای ضروری در مسائل اجتماعی و فرهنگی به ستیز با ناآگاهی و اغواگری پردازند.

و سخن آخر آنکه دولت و دست‌اندرکاران مطبوعات تنها در لوای یک میثاق میهنی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهند توانست برهه خطیر کنونی را پشت سر نهند و به عصر شکوفایی مطبوعات ایران پای نهند. تنها در چنین شرایطی است که مطبوعات ایران می‌تواند به رسالت منطقه‌ای و جهانی خود در این جهان پرآشوب که پرداختن بدان رمز بقای ماست پردازند.

والسلام

